

کلیت ادبیات تطبیقی

ویدا بزرگ چمی*

چکیده: آشنایی با ادبیات بیگانه و گرایش به مطالعه زیبایی‌های ادبی در میان ادبا، نویسندگان را بر آن داشت تا به موارد مشترک ادبیات ملل بیشتر توجه کنند. در پی رشد و گسترش ادبیات تطبیقی و تحولات آن در دنیا، انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی، با هدف مطالعه ادبیات از منظر بین‌المللی و انجمن‌های ملی ادبیات تطبیقی ایجاد شد. در چند سال اخیر ادبیات تطبیقی با ماهیت بین‌رشته‌ای، بین‌المللی و بین فرهنگی با نظریه‌های جدید نقد ادبی همراه شد که البته در این مسیر با بحران‌ها و مشکلاتی همراه بوده و هست. در این مقاله پس از تعاریف گوناگون ادبیات تطبیقی و رویکردها و مکتب‌های ادبی به طرح و بررسی این مشکلات نیز توجه شده است.

کلیدواژه: ادبیات تطبیقی، انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی، مکتب فرانسوی، مکتب امریکایی.

از آغاز، مردم حالات و روحیات خود را در قالب نظم و نثر بیان می‌کردند و بدین صورت ادبیات شکل گرفت. با تغییر وضع اجتماعی در اروپا در نیمه اول قرن هجدهم، تفکر و در پی آن ادبیات متحول شد. اروپائیان پی بردند که دنیا با آنچه در خیال داشتند، تفاوت دارد. مسافرت‌ها و جهانگردی‌ها رونق بیشتری یافت. جهانگردان و تاجران در جستجوی سرزمین‌های کشف نشده و ناشناخته، با مردم و آداب و رسوم آن سرزمین‌ها

آشنا شدند و کم‌کم جذب فرهنگ، آداب و رسوم و آثار ادبی ملل دیگر شدند به طوری که حتی برخی آثار را به زبان ملل خود ترجمه کردند. بدین ترتیب نویسندگان و فیلسوفان بر آن شدند که از مرزهای محدود فکری خود پا فراتر بگذارند. بعدها در نتیجه مهاجرت، جنگ و عوامل مشابه دیگر فرصت فراهم شد تا با ادبیات بیگانگان بیشتر آشنا شوند. آشنایی با آثار ادبی در میان اروپاییان گسترش یافت و به موجب آن، تحولاتی در حوزه مکتب‌های ادبی ایجاد شد. با وجود رواج مکتب‌های ادبی مختلف، اروپائیان و اصولاً مردم کشورهای مغرب‌زمین لازم دیدند به موارد مشترک ادبیات ملل بیشتر توجه کنند. نویسندگان با آثار ادبی خارج از محدوده ملی خود ارتباط برقرار کردند و به دنبال آن، داد و ستد و ارتباط دوسویه میان ادبیات ملل برقرار شد.

در اواسط قرن بیستم، پیشرفت علوم و فنون، ترجمه، چاپ، سفر و از همه مهم‌تر رونق رسانه‌های گروهی، موجب شد کار تطبیق فرهنگ و ادبیات رونق زیادی بگیرد. زمانی که فرهنگ ملل مختلف برهم تأثیر می‌کند، ادبیات گوشه و کنار جهان هم که یکی از عوامل تشکیل دهنده فرهنگ است، برهم اثر می‌گذارد. بنابراین تحقیق در ادبیات تطبیقی موجب کشف روابط فرهنگی بین ملت‌ها، و درک آن تحولاتی در ادبیات می‌شود که مربوط به این نوع روابط است.

وظیفه ادبیات تطبیقی، مطالعه آثار ادبی ملل، بررسی روابط میان آنها و تبادل مضامین، اندیشه و عواطف میان دو یا چند ادبیات است. برخی بر این عقیده‌اند که ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبی است که از روابط ادبی ملل مختلف و تأثیر ادبیات ملتی بر ادبیات ملت دیگر سخن می‌گوید؛ مثلاً از تأثیر ادبیات ایران بر ادبیات عربی، فرانسوی، انگلیسی، روسی، ... و چینی و یا برعکس بحث می‌کند. پس در این حوزه، نفوذ ادبی یعنی نفوذ شاعر یا نویسنده یا ادبیات ملتی بر شاعر یا نویسنده یا ادبیات ملت دیگر است. مانند تأثیر فردوسی در ماتیو آرنولد انگلیسی و تأثیر حافظ در گوته. در واقع نوعی داد و ستد فرهنگی است.^۱ به اعتقاد دکتر طهمورث ساجدی، ادبیات تطبیقی،

یعنی نقد علمی ادبیات دو یا چند زبان یا فرهنگ یا ملیت با یکدیگر در روشی قیاسی و تطبیقی. این بررسی و مقایسه حتی در یک زبان مشترک، بر روی ادبیات اقوام و فرهنگ‌های مختلف آن نیز می‌تواند صورت بگیرد. حتی ممکن است موضوع مطالعه، بررسی ادبیات با سایر جنبه‌های فرهنگی مثلاً هنر باشد. به عنوان مثال بررسی رابطه فیلم و ادبیات.^۱

برای تحقیق و پیگیری یک جریان ادبی و تأثیر آن بر روی ادبیات‌های دیگر و پی بردن به رابطه و موارد اشتراک آنها، به معیارهای ثابتی نیاز است که لازم است در ادبیات تطبیقی به آنها توجه شود.

جایگاه: این علم از ابتدا تاکنون، رشد بسیاری کرده و گرایش‌های متنوعی داشته است. ارتباط ادبیات تطبیقی با سایر رشته‌های علوم انسانی، موجب شده پوشش موضوعی ادبیات تطبیقی وسعت یابد.

ویژگی میان رشته‌ای این علم، دامنه آن را بسیار وسیع کرده است. به طوری که تطبیق‌گران در مطالعات خود مجبورند با علوم دیگری نظیر «مطالعات ترجمه»، «نظریه‌های انتقادی»، «مطالعات فرهنگی» و «تاریخ» آشنایی داشته باشند.

از ابتدای قرن نوزدهم بر روی ادبیات تطبیقی و نوع مطالب و موضوعات مورد بررسی و تطبیق، بحث زیادی شد. در اواخر این قرن و اوایل قرن بیستم با آغاز تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها و ارائه مقالات ارزشمند در این باره، ادبیات تطبیقی جایگاه خوبی به دست آورد. از این رو اهداف واقعی آن مورد بحث قرار گرفت، مکتب‌های جدیدی به وجود آمد و گرایش آن از اروپا محوری به سوی ادبیات همگانی تغییر کرد و تلاش شد تا به جایگاه ادبیات جهانی برسد.^۲

در حال حاضر ادبیات تطبیقی در جامعه علمی شناخته شده است و در بسیاری از مراکز علمی دنیا به ویژه دانشگاه‌ها تدریس و تحقیق می‌شود. رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های معتبر دنیا، گروهی مستقل و اعضای هیئت علمی خاص خود را دارد. در

بیشتر کشورها از جمله کشورهای همسایه ایران نظیر آذربایجان، ترکیه و کشورهای عربی، این گروه‌ها و انجمن‌های علمی ادبیات تطبیقی وجود دارد.

تاریخچه: دکتر حدیدی زادگاه ادبیات تطبیقی را فرانسه می‌داندست و معتقد بود پژوهشگران فرانسوی نخستین کسانی هستند که موجب رواج این شیوه تحقیق شدند. در سال ۱۸۲۸ فرانسوا ویلمن^۱، از استادان سوربن در درس تاریخ ادبیات فرانسه، تأثیر ادبیات انگلیسی و ایتالیایی بر ادبیات فرانسه را مطرح کرد و دانشجویان را به بررسی ادبیات این ملت‌ها برانگیخت.

نخستین کنگره جهانی ادبیات تطبیقی نیز در سال ۱۸۷۸ در پاریس، در زمان ویکتور هوگو و با ریاست خود او و سخنرانی ایوان تورگنیف آغاز به کار کرد. از این رو می‌توان گفت که تحقیق در این حوزه از فرانسه آغاز شد و بعد به کشورهای همجوار رفت. پس از آن کنگره‌ای هم در سال ۱۹۱۰ و به ریاست «برونتیر» ادیب معروف برگزار شد.

به این ترتیب رشته ادبیات تطبیقی با تلاش محققان و نویسندگان بزرگ به رشد خود ادامه داد و قدم به قدم به قرن بیستم گذاشت. هرچند در خلال دو جنگ جهانی رشد چشمگیری نداشت، اما بعد از جنگ، حرکت خود را با سرعتی دوچندان از سر گرفت. ه.م. پسنیت^۲ نیوزلندی هم در دهه ۱۸۶۰ کتابی به نام ادبیات تطبیقی تهیه کرد. وی که بنیانگذار بحث‌های نظری در این باره تلقی می‌شود که در آن از ایده «ادبیات جهانی»^۳ و لفگانگ فون گوته استفاده کرده بود. البته تا آن زمان هم انوره دوبالزاک^۴ قیاس‌های تعبیری بین ملل مختلف را در رمان‌های خود بسیار به کار برده بود.

اولین کرسی ادبیات تطبیقی در سال ۱۸۶۱ در دانشگاه ناپل ایتالیا توسط فرانچسکو دسانکتیس ایجاد شد. انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی^۵ در سال ۱۹۵۵ در پاریس تأسیس شد. هدف اصلی این انجمن، مطالعه ادبیات از یک منظر بین‌المللی است. همچنین هدف دیگر این نهاد بین‌المللی، این است که انجمن‌های ملی ادبیات تطبیقی را کمک کند. اکنون حدود ۱۳۵ انجمن ملی ادبیات تطبیقی در دنیا وجود دارد. این انجمن تا

1. Francois Villemain.

2. Posnett. 3. Weltliteratur.

4. Honoré de Balzac.

5. International Comparative Literature Association (ICLA).

به حال کنگره‌های بین‌المللی متعددی هر سه سال یک بار در کشورهای مختلف برگزار کرده است که آخرین آن در آگوست ۲۰۰۷ در ریود و ژانیرو در برزیل بود. مطالب منتشر شده هریک از این کنگره‌ها نشان می‌دهد که عمدتاً به مجادلاتی دربارهٔ اساس نظری، زبان‌شناختی و روش‌شناسی این دانش و دشواری‌های آن، ناسازگاری زبانی و اهداف اصلی این رشته می‌پردازند. نوزدهمین کنگره انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی از ۱۵ تا ۲۱ آگوست سال ۲۰۱۰ با همکاری انجمن ادبیات تطبیقی کره، در شهر دانگو کره جنوبی، برگزار خواهد شد.

انجمن‌های ملی ادبیات تطبیقی کشورهای مختلف همگی عضوی از این انجمن بین‌المللی هستند که آخرین عضو آن، انجمن ادبیات تطبیقی ترکیه^۱ است که در فوریه ۲۰۰۷ تأسیس شد.^۲ این انجمن در ماه آوریل ۲۰۰۹ همایشی بین‌المللی را در شهر آنکارای ترکیه با عنوان کلی «ما همه به یک فرهنگ صحبت می‌کنیم» برگزار خواهد کرد.^۳

اولین نشریهٔ ادبیات تطبیقی با عنوان «مجلهٔ بین‌المللی ادبیات تطبیقی» به سردبیری هوگو ملتزل از سال ۱۸۷۷ در مجارستان منتشر شد. در همین سال در آلمان نیز «مجلهٔ ادبیات تطبیقی» توسط ماکس کخ انتشار یافت. این مجله به طور دقیق به انتشار دوگرایش جدید که در ادبیات تطبیقی به وجود آمده بود، پرداخت. این دو گرایش که نخستین گام‌های جدی به سوی ادبیات تطبیقی به شمار می‌آمدند، عبارت بودند از:

(۱) پرداختن به سیر تاریخ روابط ادبی.

(۲) یافتن زمینهٔ موضوعات و مضامین.^۴

در حال حاضر حدود ۵۰ نشریهٔ تخصصی در زمینهٔ ادبیات تطبیقی به زبان‌های مختلف در دنیا منتشر می‌شود که می‌توان به چند نشریهٔ کشورهای شرقی اشاره کرد: مجلهٔ ادبیات تطبیقی دانشگاه جاداوپور هند، مجلهٔ ادبیات تطبیقی چین، مجلهٔ ادبیات و

1. TUCAL. 2. <http://www.Persian-language.Org/News>

3. <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-125472&Lang=P>.

۴. حسنی، آزاده: ادبیات تطبیقی در گذر زمان.

فرهنگ تطبیقی هنگ‌کنگ، مجله ادبیات تطبیقی ژاپن و فصل‌نامه ادبیات تطبیقی تایوان. مجله مطالعات تطبیقی ادبیات و فرهنگ از سال ۱۹۹۹ به صورت فصل‌نامه الکترونیکی در دانشگاه پوردو در آمریکا به سردبیری استیون توتوسی^۱ انتشار می‌یابد. نخستین کتابشناسی ادبیات تطبیقی توسط «لویی بل بتز»^۳ در سال ۱۸۹۷ تهیه شد و در سال ۱۹۱۰ توسط «بالد نسپرژه»^۴ استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه سوربن منتشر شد. به این ترتیب این رشته همچنان به رشد خود ادامه داده است. از تطبیق‌گران مشهور می‌توان از سوزان بسنت^۵، چارلز برنهایمر^۶، تری ایگلتون^۷، ماریوس فرانسواگیار، ایو شورل، ادوارد سعید^۸، فخری ابوسعید، طه ندا، گایاتری اسپیراک^۹، رنه ولک^{۱۰} و... نام برد.^{۱۱}

رویکردها و مکتب‌های ادبی: ادبیات تطبیقی در جریان تحولات بسیاری قرار گرفته و با دو مکتب بزرگ فرانسوی و آمریکایی روبه‌رو بوده است. از اوایل قرن بیستم تا جنگ

1. Steven Tötösy.

۲. انوشیروانی، علی‌رضا: درباره چرایی و اهمیت ادبیات تطبیقی.

3. L.P. Betz.

4. Baldensperger.

5. Susan Bassnett.

6. Charles Bernheimer.

7. Terry Eagleton.

8. Edward Said.

ادوارد سعید (۱۹۳۵-۲۰۰۳) نویسنده فلسطینی-آمریکایی و استاد دانشگاه کلمبیا، مؤلفی پرکار بود که نقش اساسی در ابعاد مختلف دانش مدرن ایفا کرد. کتاب «شرق‌شناسی» در سال ۱۹۷۸ برای او آوازه آکادمیک به ارمغان آورد. حاصل مطالعات او، حوزه مطالعات شرق‌شناسی را اساساً متحول کرد.

9. Gayatri Spirak.

10. Rene Wellek.

رنه ولک در سال ۱۹۴۹ کتاب معروف خود، نظریه ادبیات، را با همکاری استین وارن به پایان رساند. این کتاب نقطه عطفی در مطالعات ادبی محسوب می‌شود. ولک از پیش‌تازان مهم مطالعات ادبیات تطبیقی در آمریکا بوده است و معتقد است که مکتب فرانسوی متکی بر مکتب اثبات‌گرای قرن نوزدهم اروپا بود که او آن را خطری جدی برای نقد ادبی می‌دانست. ولک از طرفداران نقد نو و از پایه‌گذاران مجله معروف و قدیمی ادبیات تطبیقی است که از سال ۱۹۴۸ تاکنون در دانشگاه اورگن آمریکا منتشر می‌شود. سارا لاوال یادآور می‌شود که مطابق اصول ادبیات تطبیقی، ولک در مطالعات ادبی خود به مرزهای ملی توجه نداشت و ادبیات ملل مختلف برای او هم‌سنگ و برابر بودند.
۱۱. ساجدی، طهمورث، ۱۳۸۳، ص ۲۸۰۲۱.

جهانی دوم، تحت تأثیر مکتب‌های اثبات‌گرا^۱ و تجربه‌گرا، مکتبی به نام «مکتب فرانسوی» شکل گرفت که در آن به تأثیرهای میان فرهنگی و بین ملل توجه می‌شد. این مکتب بر ارائه شواهد و مدارک علمی و تاریخی تأکید می‌کند که بتواند تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری را اثبات نماید. بنابراین تطبیق‌گر مؤظف است به جستجوی مضامین و ایده‌های ادبی و چگونگی انتقال آنها از ملتی به ملت دیگر بپردازد.

تکست^۲ بانی مکتب فرانسوی، در مجموعه مقالات خود از تأثیرات ایتالیایی‌ها در رنسانس فرانسوی و تأثیر آلمانی‌ها در رمانتیسیم فرانسوی سخن گفته و وظیفه این رشته را بررسی تأثیر و تأثر ادبیات همه کشورهای می‌داند.

در واقع تطبیق‌گر در ادبیات تطبیقی به چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین نویسندگان و آثار ادبی ملت‌ها و زبان‌های مختلف توجه دارد و برای بررسی این آثار ادبی به نوعی رابطه تاریخی میان آنها نیاز دارد. در واقع تطبیق‌گران فرانسوی به ادبیت یا بعد زیبایی‌شناسی آثار ادبی توجهی ندارند. برای آنان تجزیه و تحلیل ادبی خود اثر حائز اهمیت نیست، بلکه در جستجوی عوامل خارجی‌ای هستند که منجر به تأثیرات ادبی می‌شود. از تطبیق‌گران این مکتب می‌توان به ماریوس فرانسوا گویار، ژان ماره کاره، رنه اتیامبل^۳ و پل ون تیگم^۴ اشاره کرد.

پس از مدتی تطبیق‌گران از اروپا محوری (اروپای غربی) به اروپای مرکزی و شرقی و به ادبیات جهانی گرایش یافتند. در آمریکا هم با توسعه گروه‌های ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌ها، تحقیق در حوزه ادبیات تطبیقی رواج بیشتری گرفت. حاصل آن مکتب دیگری به نام مکتب آمریکایی بود که پس از جنگ جهانی دوم به وجود آمد. دیدگاه این مکتب وسیع‌تر است. ملاک در این مکتب، ملیت و فرهنگ است و نه زبان؛ و ارتباط

۱. علم اثبات‌گرا بر چیزی استوار است که می‌تواند مشاهده و ارزیابی شود. به عبارت دیگر به نظر اثبات‌گرایان، محقق با روش تجربی با مشاهده، به سوی مرحله ارزیابی پیش می‌رود. یعنی دانشمند، تجربه را برای کشف قوانینی کلی که به نحو عینی وجود دارند، به کار می‌برد. قوانینی که بتوان از آنها فرضیه‌هایی را بیرون کشید که برای پیش‌بینی رویدادها قابل استفاده باشند.

2. Texte.

3. Rene Etiemble.

4. Paul Van Tieghem.

تاریخی، تأثیر و تأثر و اختلاف زبان دو اثر، شرط مقایسه و تطبیق نیست. بنابراین هر زمان محقق در مطالعات ادبی از مرزهای ملی و قومی خود بگذرد، می‌توان گفت در مسیر مکتب آمریکایی حرکت کرده است. آنان ادبیات را مسئله‌ای جهانی و کلی می‌بینند. در این مکتب، ادبیات تطبیقی از فلسفه پیشین خود یعنی پی بردن به روابط تاریخی و تأثیر و تأثر آثار ادبی جدا شده و به تدریج به نقد ادبی نزدیک می‌شود، به عبارت دیگر در این مکتب، بعد زیباشناسی آثار ادبی و تجزیه و تحلیل ادبی خود اثر مطرح است.

از سال ۱۹۵۰ ماهیت بین رشته‌ای ادبیات تطبیقی، بیشتر از ماهیت بین‌المللی آن اهمیت پیدا کرد. از آن زمان ادبیات تطبیقی به مطالعه روابط بین هنرهای زیبا و سایر رشته‌های علوم انسانی همچون تاریخ، فلسفه، ادیان، روانشناسی، جامعه‌شناسی، نقاشی، موسیقی و سایر هنرها توجه بیشتری کرد. به خصوص از اواسط ۱۹۶۰ به بعد، گرایش به علوم اجتماعی شدت یافت.

مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، با سخنرانی رنه ولک در دومین همایش بین‌المللی ادبیات تطبیقی در سال ۱۹۵۸ با عنوان بحران در ادبیات تطبیقی در مسیر تازه‌ای قدم گذاشت. وی نظر پژوهشگران ادبیات تطبیقی را به اختلاف نظر در روش‌شناسی این رشته جلب کرد. از نظر ولک ادبیت، زیبایی‌شناسی و هنر باید کانون توجه باشد. او ادبیات تطبیقی را نظریه‌ای جدید در ادبیات می‌داند و معتقد است ارتباطات و تأثیرات ادبی یکی از زمینه‌های تحقیق در ادبیات تطبیقی است. وی معتقد است که برخی از شباهت‌ها بین آثار ادبی ناشی از روح مشترک همه انسان‌هاست. او اندیشه‌های انسان‌ها را در اصل از یک سرچشمه می‌داند، و به رغم اختلاف‌هایی که در طرز بیان می‌بیند، نوعی خویشاوندی در میان آنها احساس می‌کند. او بر این اعتقاد است که روابط عاشقانه مردم در بسیاری از موارد بین همه انسان‌ها شبیه به هم است، نیاز عاشق و ناز معشوق اختصاص به یک ملت و یک ادبیات خاص ندارد، بنابراین بسیاری از همانندهای ادبی حاصل تأثیر و تأثر نیستند، بلکه بر اثر تصادف و توارد به وجود می‌آید. مثل «تهوع» ژان پل سارتر و «زننده به گور» صادق هدایت که در یک مقایسه، شباهت‌های جالب توجهی

در عبارات آن دو دیده می‌شود. برخی بر این اعتقادند که از آنجایی که این کتاب اولین اثر هدایت بود و تا آن موقع ترجمه نشده بود و کسی او را نمی‌شناخته است، پس می‌توان حکم کرد که او از هدایت تأثیر نگرفته است، در حالی که برخی دیگر عکس این عقیده را دارند. البته در آغاز شباهت‌های تصادفی در حیطه پژوهش‌های تطبیقی قرار داشت ولی امروز که تحقیقات ادبی پیشرفت بیشتری کرده است، این موارد در مقوله دیگری قرار می‌گیرد.

همچنین ولک بیشتر به این تکیه می‌کند که ادبیات را به عنوان پدیده‌ای جهانی و در ارتباط با سایر شاخه‌های علوم و هنرهای زیبا ببیند.^۱

از نظر رماک^۲، محقق برجسته آمریکا، ادبیات تطبیقی این‌گونه تعریف می‌شود: مقایسه ادبیاتی معین با یک یا چند ادبیات دیگر و مقایسه ادبیات با حوزه‌های دیگری از بیان انسانی.^۳

وی وجود پیوند تاریخی یا تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در حوزه ادبیات تطبیقی ضرورت نمی‌داند، بلکه شباهت‌های زیباشناختی و شاعرانه را اساس تحقیق به حساب می‌آورد که این مسئله در هشتمین کنفرانس انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی (بوداپست ۱۸۷۶ م.) هم مطرح شد.^۴ سپس در سال ۱۹۸۱ هنری رماک گرایش بین‌رشته‌ای ادبیات تطبیقی را عنوان کرد و پیشنهاد داد که لازم است رویکردها و حوزه‌های جدیدی نظیر ساختارگرایی، نشانه‌شناسی، نظریه پذیرش و ارتباطات، جامعه‌شناسی ادبیات، زبان‌شناسی، معانی و بیان و مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات در آثار وارد شود.^۵

ادبیات تطبیقی با ماهیت بین‌رشته‌ای، بین‌المللی و بین‌فرهنگی بیشتر از ادبیات ملی، خود را با نظریه‌های جدید نقد ادبی همراه کرد. ویژگی‌های این گرایش جدید در

۱. انوشیروانی، علی‌رضا: درآمدی ساده و کوتاه بر ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی.

2. Remak.

۳. پیرانی، منصور: ص ۷۵-۸۴. ۴. نصیری، حافظ: ص ۹۲-۱۰۶.

5. Mourao, Manuela. Comparative literature in the United States.

<http://clcwwebjournal.lib.purdue.edu/clcwweb00-4/mourao00.html>.

سخنرانی چارلز برنهایمر در سومین همایش بین‌المللی تطبیقی در سال ۱۹۹۳ مطرح شد.

در برخی دانشگاه‌های معتبر دنیا این رویکرد جدید که استیون توتوسی، «ادبیات تطبیقی نوین» می‌نامد، با رشته بین‌رشته‌ای دیگری به نام «مطالعات فرهنگی» ادغام شده و رشته دیگری به نام «ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی» به وجود آورده است. رشد و اهمیت روزافزون این رشته موجب شده به مرور گروه‌ها، مراکز پژوهشی و انجمن‌های ملی ادبیات تطبیقی در کشورهای مختلف، به خصوص در کشورهای آسیایی و عرب‌زبان در طول دو دهه اخیر ایجاد شود.

از پیشتازان این حوزه می‌توان از رنه ولک، آستین وارن^۱ و گایاتری اسپیراک و کتابش با عنوان مرگ انضباط (۲۰۰۴) و اریش اوثر باخ^۲ و اثرش بازنمایی^۳ نام برد.

ادبیات تطبیقی در ایران: ادبیات تطبیقی با عنوان «ادبیات مقایسه‌ای یا سنجشی» از سال ۱۳۱۷ در ایران شناخته شده و مورد توجه قرار گرفته و سال‌ها توسط دکتر فاطمه سیاح، صاحب کرسی این رشته، در دانشگاه تهران تدریس می‌شده است. اما آشنایی با این علم، رسماً از سال ۱۳۳۲ پس از رساله جمشید بهنام شروع شد و هم‌زمان نوشته‌های پل وان تیگم مورد استفاده محققان ایرانی قرار گرفت.

از آن سال‌ها چند مقاله و پایان‌نامه دکتری و کتاب بجای مانده است. مقالات و مجموعه پژوهش‌های تطبیقی مجتبی مینوی که به گسترش این علم در فضای ادبی آن روزگار می‌پردازد و در جایگاه یکی از مؤثرترین محققان ایرانی در این عرصه به شمار

۱. کتاب «نظریه ادبیات» از رنه ولک، و آستین وارن با ترجمه دکتر ضیاء موحد از آثار بنیادین در زمینه نقد و نظریه ادبی است. ولک در آبووا با وارن آشنا شد و این دو بر آن شدند که کتاب نظریه ادبیات را تألیف کنند و در آن ماهیت، کارکرد، شکل و محتوای ادبیات و نیز رابطه آن را با رشته‌های دیگر مورد بحث قرار دهند. هدف در این کتاب، خود اثر ادبی است. از این رو بر بحث درباره اثر، اهمیت ساختار، سبک، جنبه‌های عروضی، انواع ادبی و مسئله ارزش و ارزش‌گذاری تأکید شده است. همچنین ادبیات را از نظر جامعه‌شناسی یا روان‌شناسی یا دیگر هنرها نیز بررسی کردند.

2. Erich Auerbach.

3. Mimesis.

می‌رود^۱؛ و مقاله عبدالحسین زرّین‌کوب تحت عنوان «گوته و ادبیات ایران» که به بررسی «دیوان شرقی» و تأثیرات ادب فارسی بر آن پرداخته است، در رشد و گسترش این علم نقش بسزایی داشت.

مرحوم دکتر جواد حدیدی نیز در اثر معروف خود، از سعدی تا آراگون، تأثیر ادبیات فارسی بر ادبیات فرانسه را مورد بررسی قرار داد. البته گفتنی است وی تنها به ذکر تأثیر یک شاعر ایرانی در آثار یک شاعر یا نویسنده فرانسوی اکتفا نکرده، بلکه تأثیر ادبیات فارسی را در طول چهار قرن، یعنی مهم‌ترین دوران ادبیات فرانسه، در کلیه متون منظوم و منثور بررسی کرده است. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات تطبیقی، پیدایش و گسترش آن» هم منتشر کرد.^۲

از افرادی که در این رشته فعالیت کرده‌اند می‌توان از حسن هنرمندی^۳، کوکب صفّاری، صالح حسینی، محمدعلی اسلامی ندوشن، محمدرضا شفیعی کدکنی، ابوالحسن نجفی، طهمورث ساجدی و مرحوم جواد حدیدی نام برد. از جمله فعالیت‌هایی که در این حوزه انجام شده، می‌توان به تطبیق فردوسی با هومر، سعدی با لافونتن، حافظ با گوته یا همایشی که در مورد حافظ، گوته و سکلیانوس در یونان برگزار شد، اشاره کرد. همچنین تطبیق فاکنر با گلشیری (خشم و هیاهو و شازده احتجاب) و یا تحقیق‌هایی که در مورد هدایت و خصوصاً بوف کور با آثار نویسندگان خارجی دیگر انجام گرفته است، نظیر کتاب ادبیات تطبیقی مار و کاج، اثر ناهوکو تاوار اتانی که به

۱. وی در مقالات و کتاب‌های خود، همواره این اعتقاد را داشت که فرهنگ، علم و ادب، شرقی و غربی ندارد و انحصاری نیست. تمامی ملل از این حیث به یکدیگر مرتبط هستند. و از آداب و تمدن تا اکتشافات و اختراعات، و حتی لغات را از یکدیگر اقتباس کرده‌اند. «رساله‌ای در باب اوزان شعر عربی و فارسی» و مقاله «تاجر ونیزی» در کتاب بانزده گفتار از جمله مقالات او در این حوزه است.

۲. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۳، دوره هشتم، ص ۷۰۹-۶۸۵.

۳. هنرمندی یکی از نخستین افرادی بود که درباره ادبیات تطبیقی در ایران به تحقیق پرداخت. وی در کنفرانس ژیدشناسان سخنرانی‌ای درباره تأثیر ادبیات فارسی در آثار ژید داشت. همچنین کتاب آنده ژید و ادبیات فارسی نخستین کار علمی به فارسی در زمینه ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه، توسط وی در سال ۱۳۴۹ به چاپ رسید. او در کتاب بنیاد شعر نو در فرانسه، پیوند شیوه جدید شاعری نیما یوشیج با شعر فرانسه را برای اولین بار بررسی کرد.

بررسی سبیل‌های مار و کاج در ادبیات فارسی و ژاپنی و خصوصاً در آثار صادق هدایت پرداخته، یا بررسی تطبیقی آثار هدایت و فاکتر یا قیاس تطبیقی بوف کور صادق هدایت با مسخ کافکا را نیز می‌توان نام برد.^۱

ادبیات تطبیقی در کشور ما سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد، اما تدریس آن اغلب به طور منقطع و آن هم در سطوح مختلف دانشگاهی بوده است. قبل از انقلاب دو دوره فوق‌لیسانس در دانشگاه تهران برگزار شد که در اوایل انقلاب متوقف شد. همچنین هیچ انجمن علمی‌ای به این نام در ایران شکل نگرفته است که لازم است به آن توجه شود. تاکنون در ایران مجله تخصصی ادبیات تطبیقی منتشر نشده است، اما برخی از مجلات ادبی به صورت ویژه‌نامه یا پراکنده، مقالاتی در این زمینه منتشر می‌کنند نظیر فصل‌نامه زبان و ادب.

تاکنون سه همایش ادبیات تطبیقی در سال‌های ۱۳۷۹، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵ به همت دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران برگزار شده است. در همایش نخستین، مرحوم دکتر جواد حدیدی شیوه‌های پژوهشی در ادبیات تطبیقی را معرفی کردند.^۲ اولین کنگره ملی ادبیات تطبیقی با حضور استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان با ارائه مقاله و سخنرانی در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی برگزار شد. در نشست تخصصی اول این کنگره دکتر نادر حقانی، دکتر بهمن نامور مطلق، دکتر انوشیروانی و دکتر پاکت‌چی مقالاتی تحت عنوان «تأثیر متقابل ادبیات ایران و آلمان»، «تأثیر متقابل ادبیات ایران و آمریکا» و «تعامل ادبیات ایران و روسیه» ارائه دادند و در نشست تخصصی دوم دکتر فتح‌الله مجتبابی، دکتر طهمورث ساجدی و دکتر اسماعیل آذر سخنرانی‌هایی درباره تأثیر متقابل ادبیات ایران و آمریکا، ایران و فرانسه، و ایران و ایتالیا ایراد کردند.^۳

اهمیت این رشته با پی بردن به پیوند ادبیات تطبیقی با موضوعات مهم روز نظیر

۱. <http://www.mandegar.info/1383/meghdadi.html> (تلیت خیام، هدایت، کافکا)

<http://www.farhangdaily.com/page/87-09-13/farhangoadab.html>

۲. ساجدی، طهمورث. معارف، ص ۵۰-۶۴. ۳. واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.

جهانی شدن، گفت و گوی تمدن‌ها، تفکر انتقادی، و فن‌آوری اطلاعات؛ ارتباط زبان و ادبیات یک کشور با کشورهای دیگر و خارج کردن زبان و ادبیات یک ملت از انزوا و ناشناسی، دوچندان شده است. اما متأسفانه ادبیات تطبیقی هنوز جایگاه مناسب خود را در ادبیات امروز به دست نیاورده است.

مشکلات ادبیات تطبیقی: ادبیات تطبیقی از آغاز با بحران‌ها و مشکلاتی نظیر تعریف و تعیین روش مطالعه مواجه بوده است. در ابتدای سال ۱۹۵۸، مسائل و مشکلات در دومین کنفرانس انجمن بین‌المللی ادبیات تطبیقی^۱ مطرح می‌شود و رنه ولک تأکید می‌کند که در مطالعات ادبی، قلمرو موضوعی و روش‌شناسی نامشخص، خطر جدی محسوب می‌شود.^۲

در واقع از دهه ۱۹۷۰ به بعد با وسعت دامنه نقد و تغییر در گرایش مطالعات ادبی خصوصاً در میان آمریکایی‌ها حقیقتاً به مشکلات ادبیات تطبیقی افزوده شد. در گزارش برنهایمر^۳ به انجمن ادبیات تطبیقی آمریکا^۴ در سال ۱۹۹۳ مطرح شد که انجمن به وضوح اعلام کرده که با توجه به وسعت و گسترش قلمرو رشته، ارائه تعریف جامعی از ادبیات تطبیقی ضروری به نظر می‌رسد. در گزارش به ارتباط ادبیات با موضوعات دیگر اشاره شده و مطرح می‌کند که از این پس واژه ادبیات برای اهداف مطالعاتی این رشته مناسب نیست.

همچنین از آنجایی که از سال ۱۹۹۳ تاکنون قلمرو ادبیات تطبیقی به عنوان یک رشته تغییرات عمده‌ای داشته است، بسیاری از تطبیق‌گران درباره حد و مرز رشته نگران هستند.^۵

به نظر می‌رسد ادبیات تطبیقی به عنوان یک علم، از نامحدود بودن و تعریف‌ناپذیری

1. IInd Congress of the International Comparative Literature Association.

۲. ولک، رنه، ج ۱.

3. Bernheimer Report.

4. American Comparative Literature Association (ACLA).

5. Mourao, Manuela. Comparative literature in the United states. <http://clcweb Journal. lib.purdue. edu / clcweb oo - 4 / mourao OO. html>.

قلمرو فعالیت خود، رنج می‌برد و این روند رشد، آن را درگیر دست‌اندازهای فلسفی، اسطوره‌شناسی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و سایر علوم کرده است.

ابوالحسن نجفی اشکال را در ترکیب این دو لفظ «ادبیات» و «تطبیق» می‌داند و معتقد است اگرچه این یک اصطلاح اختلاف‌برانگیز است و بسیاری از محققان آن را رد می‌کنند، اما در نهایت، به دلیل رواج این اصطلاح، استفاده از آن را ترجیح می‌دهند. همچنین اعتقاد بر این است که اختلاف در اصطلاح نباید مانع توسعه این حوزه بشود. این علم در طول حیات خود در معرض انواع بحث‌ها، دیدگاه‌ها و دسته‌بندی‌ها قرار داشته، اما نام آن، مشکل‌ساز نبوده است و به نظر می‌رسد با توجه به اختلاف‌نظرها، تعیین یک اصطلاح جدید هم بسیار دشوار است.

همچنین با توجه به رشد و تکامل ادبیات تطبیقی در طول تاریخ، نمی‌توان برای آن تعریف یا نظریه‌ای واحد و منسجم ارائه داد.^۱

در واقع مشکل اینجاست که آیا واقعاً هر پژوهشی را که در آن اثری از مقایسه یا تطبیق باشد، می‌توان در قلمرو ادبیات تطبیقی قرار داد؟ مقایسه اشعار دو شاعر ملی مثل عطار و مولوی، جامی و نظامی و شاملو و فروغ؛ مقایسه مدرنیسم با عرفان، مطالعه تطبیقی اسطوره‌ها، بررسی ویژگی‌های رمان نو و مقایسه دستور زبان‌های مختلف در قلمرو ادبیات تطبیقی جای می‌گیرد؟ قلمرو ادبیات تطبیقی تا کجاست؟ معیار انتخاب متون در ادبیات تطبیقی چیست؟ پژوهشگر ادبیات تطبیقی بر اساس چه معیارها و نظریه‌های علمی، متون پژوهشی خود را برمی‌گزیند؟ برخی معتقدند ادبیات تطبیقی هم در تنوری و هم در عمل دچار مشکل است و لازم است قلمرو نوع مسئولیت ادبیات تطبیقی بررسی و تعیین سیاست شود.

ابوالحسن نجفی عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیر گروه ادبیات تطبیقی فرهنگستان، سی و چند سال پیش در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات تطبیقی چیست؟»^۲ و اخیراً نیز در سخنرانی خود با عنوان «ادبیات تطبیقی و قلمرو آن»^۳ به این

۱. انوشیروانی، علی‌رضا، درآمدی ساده و کوتاه بر ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی.

۲. نجفی، ابوالحسن، ص ۴۴۸-۴۳۵.

مسئله یعنی قلمرو پژوهش در ادبیات تطبیقی پرداخته است. اما به نظر می‌رسد، در تحقیق تطبیقی باید به این مسائل توجه کرد:

- ۱- تأثیر اثری خارجی با دخل و تصرف، در ادبیات ملت. به عنوان مثال اقتباس و تأثیر شعریا داستان خارجی در ادبیات یک کشور یا تأثیر مکتب‌های ادبی بر ادبیات ملت دیگر.
- ۲- به وجود آمدن صنایع، مضامین، قالب‌ها و شکل‌های ادبی تحت تأثیر ملل دیگر. مثلاً وزن شعر، عروض و برخی قالب‌های شعری از عربی وارد فارسی شده‌اند. در شعر فارسی و عربی مشابهت‌های بسیار وجود دارد، از این جهت مطالعه تطبیقی آثار بزرگان این دو زبان مثل سعدی و منتبّی، شاعر عرب، جالب خواهد بود.
- ۳- پیدا کردن منابع خارجی یک اثر ادبی و مشخص کردن تغییرات و تصرفاتی که در آثار به عمل آمده است.^۴

به هر حال می‌توان خوش‌بین بود که ادبیات تطبیقی با هدف مطالعات ادبی در دهکده جهانی، حرکت می‌کند اما با توجه به اینکه روز به روز به دامنه و قلمرو آن افزوده می‌شود و از آنجایی که در پی دانستن پیوند و ارتباط با علوم دیگر است، خطر گسترش بیش از حد و چند شاخه‌ای شدن این علم وجود دارد.^۵ با وجود این مشخص است که حیات و اعتبار تحقیقات ادبیات تطبیقی به توانایی آنها در چگونگی به خدمت گرفتن فرهنگ‌ها بستگی دارد و ورود آنها را به حیطه ادبیات جهانی تأمین و تسهیل می‌کند.

رتال جامع علوم انسانی

منابع

- پیرانی، منصور. ادبیات تطبیقی و مفهوم امروزی آن، نامه پارسی، سال ۱۰، شماره ۴، ۱۳۸۴.
- حدیدی، جواد. ادبیات تطبیقی، پیدایش و گسترش آن، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال ۷، شماره ۳، ۱۳۵۱.

3. <http://www.ketabnews.com/detail-8136-fa-o.html>

4. <http://www.persian-language.org/group/report.asp?ID=1198&p=5>

5. Kushner, Eva. Is comparative literature ready for the twenty-first century? <http://clcwebjournal.lib.putdue.edu/clcweb00-4/kushner00.html>

- ساجدی، طهمورث. ادبیات تطبیقی، معارف، شماره ۵۵.
- _____ . از ادبیات تطبیقی، پژوهش زبان‌های خارجی، شماره ۱۷، ۱۳۸۳.
- فرشیدورد، خسرو. ادبیات تطبیقی، ایران ۱۳۸۰/۱۱/۱۹.
- گویارد، ام. اف. ادبیات تطبیقی، ترجمه خان محمدی، تهران، پازنگ، ۱۳۷۴.
- نجفی، ابوالحسن. ادبیات تطبیقی چیست؟، ماهنامه آموزش و پرورش، جلد ۴۱، شماره ۷، ۱۳۵۱.
- نصیری، حافظ. معرفی اجمالی آفاق‌الادب‌المقارن عربی و عالمی، آینه پژوهش، شماره ۹۳.
- ولک، رنه. تاریخ نقد جدید، ترجمه سعید ارباب شیرانی، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۳.
- <http://www.persian-language.org/News>.
- <http://www.isna.ir/ISNA/NewsView.aspx?ID=News-1254972&Lang=P>
- www.ccccc.blogfa.com/8604.aspx (حسینی، آزاده. ادبیات تطبیقی درگذر زمان)
- <http://parsifa.wordpress.com/> (درباره چرایی و اهمیت ادبیات تطبیقی / انوشیروانی)
- <http://www.eng-lit-test.blogfa.com/cat-l.aspx>
- (درآمدی ساده و کوتاه بر ادبیات تطبیقی و مطالعات فرهنگی - نقطه پایان خود مهم‌بینی فرهنگی. علی‌رضا انوشیروانی)
- Mourao, Manuela. Comparative literature in the United States.
- <http://clwebjournal.lib.purdue.edu/clweb00-4/mourao00.html>
- <http://www.mandegar.info/1383/meghdadi.html> (تلیث خیام، هدایت، کافکا)
- <http://www.farhangdaily.com/page/87-09-13/farhangoadab.html>
- www.vazna.com/article.aspx?ID=1578
- (واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی)
- <http://www.ketabnews.com/detail-8136-fa-0.html>
- [http://www.persian-language.org/group/report.asp?IS=1198&\[=5](http://www.persian-language.org/group/report.asp?IS=1198&[=5)
- Kushner, Eva. Is comparative literature ready for the twenty-first century?
- <http://clwebjournal.lib.putdue.edu/clweb00-4/kushner00.html>